

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تحولات اخیر قضیه سوریه؛ از اعلان نقشه هجوم اردوغان به شرق فرات تا اعلان خروج نیروهای امریکا از سوریه

(ترجمه)



پرسش

اردوغان در خصوص حمله به شرق فرات پیاپی اظهاراتی را مطرح نمود، بعداً این حمله را به تأخیر انداخت، سپس مجدداً این اظهارات را از سر گرفت و بعد از آن که کردها در منطقه منبج از حکومت سوریه درخواست پشتیبانی نمودند، اردوغان به روسیه رفت تا عملیات نظامی‌اش را هماهنگ کند. در جریان این موقف گیری‌ها و تحولات بود و ترامپ اعلان نمود که اردوی امریکا را از شرق فرات بیرون خواهد کرد. سپس این بحث بالا گرفت که جای نیروهای امریکائی را کی پر خواهد نمود. پرسش اینست که: چرا اردوغان در خصوص حمله به شرق فرات متردد است؟ آیا این اظهارات و موقف گیری‌های اردوغان در هماهنگی با امریکا صورت می‌گیرد و یا بدون هماهنگی؟ و این اختلاف سیاسی میان ترامپ و اردوغان چه معنی دارد؟ پرسش اخیر این‌که انگیزه خروج نیروهای امریکا از سوریه چیست؟ از این‌که پرسش به درازا کشید، معذرت می‌خواهم. جزاکم الله خیراً

پاسخ

با دقت نمودن به حوادث اخیر که از اعلان نقشه هجوم اردوغان به شرق فرات آغاز و تا اعلان خروج نیروهای امریکا از سوریه و تا امروز ادامه یافت، موارد ذیل روشن گردد:

اول) سیاست اردوغان کاملاً همسو با سیاست امریکا است و هیچ تفاوتی قابل توجهی ندارد؛ به قول معروف: گام به گام آن را دنبال کند. شرح آن قرار ذیل است:

1. جیمز جیفری نماینده امریکا به سوریه به تاریخ 7 دسمبر 2018م وارد انقره شد و در دیدارش با مسئولین حکومت ترکیه، نقشه مرحله‌ای امریکا در سوریه، به ویژه در منبج و ادلب را برای‌شان ترسیم نمود. جیفری تأکید نمود که همکاری در خصوص شهر منبج تبدیل به نمونه‌ای جهت تحکیم صلح و ثبات در سوریه گردیده، چنان‌چه وی گفت: «بدون همکاری نزدیک

میان ایالات متحده و ترکیه هرگز نمی‌توان به راحل نهائی در آنجا دست یافت.» وی در مورد کمک‌های امریکا به کردهای مسلح گفت: «پیوسته تأکید ما این است که فعالیت مشترک ما با نیروهای دموکرات سوریه علیه "داعش"، فعالیت‌های موقتی و تاکتیکی است.» (منبع: آر تی آن لاین 8 دسامبر 2018م) چهار روز پس از این سفر بود که اردوغان نقشه جدیدش را در شرق فرات اعلان نمود. چنانچه در یک بیانیه تلویزیونی گفت: «به زودی و در خلال چند روز آینده برای تخلیه نمودن شرق فرات از وجود تروریستان جدائی طلب عملیات نظامی را آغاز خواهیم نمود.» اشاره او به مناطقی است که "نیروهای حمایت مردمی" در آن مستقر باشند. (منبع: بی بی سی 12 دسامبر 2018م)

2. چند ساعت از اعلان حمله نظامی جدید ترکیه به شرق فرات نگذشته بود که موقف‌گیری مخالف امریکا، که مرکز آن پنتاگون بود، بالا گرفت، چنانچه شون روبرتسون سخنگوی پنتاگون در بیانیه‌ای گفت: «اقدام به حمله نظامی یک جانبه در شمال شرق سوریه، به ویژه با توجه به احتمال وجود افرادی از اردوی امریکا در این منطقه و یا اطراف آن، به شدت نگران کننده است.» وی افزود: «هرگونه اقدام این چنینی از طرف ما غیرقابل قبول است.» (منبع: سایت خلیج جدید 13 دسامبر 2018م) این اظهارات مخالفی که مرکز آن پنتاگون و افرادی از جمهوری خواهان برجسته در سنای امریکا بود، باعث گردید که ترکیه خود را در برابر دو دیدگاه و موقف‌گیری مخالفی دریابد که از واشنگتن صادر گردیده بود. به همین دلیل بود که نقشه ترکیه در خصوص این حمله متوقف گردید؛ به انتظار این‌که موقف نهائی واشنگتن روشن گردد. رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه روز دوشنبه 17 دسامبر 2018م در اظهاراتی گفت: «هر آن ممکن است کشورش عملیات نظامی جدیدی را در سوریه راه‌اندازی نماید.» او که در منطقه قونیه که در مرکز ترکیه موقعیت دارد، سخن گفت و افزود: «رسماً اعلان نموده‌ایم که به زودی در شرق فرات عملیات نظامی راه‌اندازی خواهیم نمود.» وی افزود: «ما این مسئله را با آقای ترامپ بررسی نمودیم و پاسخ وی مثبت بود.» (منبع: رویترز 17 دسامبر 2018م)

3. ترامپ رئیس جمهور امریکا روز چهارشنبه 19 دسامبر 2018م، به گونه غیرمترقبه اعلان نمود که نیروهای امریکائی را از سوریه خارج خواهد نمود، زیرا مسئولیت‌اش در آن جا، که شکست دادن "گروه داعش" بوده، به پایان رسیده است. وی گفت: «اینک پس از پیروزی‌های تاریخی علیه "داعش" وقت آن رسیده که جوانان بزرگ مان به خانه برگردند.» (منبع: اسپوتنیک روسیه 20 دسامبر 2018م) با این اعلان خروج، روشن شد که انگار امریکا قصد دارد منطقه شرق فرات را برای ترکیه تخلیه نماید، چنانچه نقشه حمله نظامی اردوغان فوراً پس از این اعلان جان تازه‌ای گرفت و همین منبع فوق‌الذکر اعلان نمود که: «اردوی ترکیه تجهیزات جدیدی روانه پایگاه‌های خودش را در نزدیکی مرز سوریه، در جنوب ترکیه نموده است.»

4. به محض این‌که رئیس جمهور امریکا خبر خروج از سوریه را اعلان نمود، طوفانی از اعتراض‌ها میان سیاسیون امریکا در واشنگتن برپا گردید و همچنین شماری از اعضای برجسته حزب جمهوری خواه نیز با این تصمیم مخالفت نمودند. واکنش‌ها در حدی شدید بود که منجر به استعفای ناگهانی وزیر دفاع امریکا شد. «جیمز ماتیز وزیر دفاع امریکا از مقام‌اش استعفا نمود. ماتیز در استعفانامه‌اش با قوت تمام به وجود اختلافات‌اش با سیاست‌های رئیس جمهور ترامپ اشاره نمود.» (منبع: بی بی سی 21 دسامبر 2018م) همزمان با این ناآراها در واشنگتن بود که رئیس جمهور ترکیه در اظهاراتی از استانبول گفت: «در هفته گذشته تصمیم گرفتیم که به شرق نهر فرات حمله نظامی کنیم. با ترامپ رئیس جمهور امریکا در این زمینه تلفونی صحبت نمودیم و دیپلمات‌ها و مسئولین امنیتی دوطرف نیز دیدارهایی داشتند و ایالات متحده بیانیه‌هایی را منتشر نمود. این امور ما را داشت تا حمله نظامی را برای مدتی به تعویق اندازیم.» اردوغان افزود: «عملیات نظامی علیه "ملیسه‌های کرد" در شرق نهر فرات را تا معلوم شدن نتیجه تصمیم خروج امریکا از سوریه به تعویق انداختیم.» (منبع: رویترز 22 دسامبر 2018م)

5. به این ترتیب معلوم شود که تصمیم عملیات نظامی ترکیه در شرق فرات درست دو روز پس از اتخاذ آن، مجدداً به انتظار گذاشته شد، زیرا ترکیه با بادهایی به حرکت آید که از واشنگتن بر خیزد؛ بادهایی که گاه آتش ترکیه را تیز و گاه آن را خاموش کند. به این ترتیب اظهارات در مورد هجوم به شرق فرات و سپس به تعویق انداختن آن بسته‌گی به موقف‌گیری‌های امریکا، از زمان سفر جیفری و پیامدهای آن سفر داشت. این بدان معنی است که ترکیه در قضیه سوریه به هیچ‌وجه سیاست مستقل و جدائی از تصمیم اتخاذ شده در واشنگتن ندارد؛ در حدی که نزدیک است این وابسته‌گی ترکیه را از درجه دولت‌های "در محور" به درجه دولت‌های "مزدور" نزدیک کنید، زیرا نظام حاکم در ترکیه در بسیاری موارد، در قضیه سوریه، بیشتر از

این‌که منافع ترکیه را رعایت کند، منافع آمریکا را در نظر گیرد؛ چنانچه در دو عملیات موسوم به "سپر فرات" و "شاخه زیتون" این واقعیت به خوبی روشن گردید. ترکیه پیوسته خط سرخ‌های آمریکا را مراعات نمود، چنانچه زمانی‌که عملیات "سپر فرات" به شهر منبج نزدیک شد، فوراً آن را با فاصله زیاد از این شهر متوقف نمود.

**دوم)** در مورد انگیزه تصمیم ترامپ برای خروج از سوریه باید گفت که با بررسی امور زیر توان به آن پی برد:

1. پس از ناامیدی‌هایی که در پی مداخلات آمریکا در افغانستان و عراق به وجود آمد، اوباما رئیس‌جمهور آمریکا در زمان حکومت‌اش شکل جدیدی از مداخله آمریکا را روی دست گرفته و از آن دفاع نمود؛ شکلی که بر اساس آن، نیروهای آمریکا حضور کمتر و یا اصلاً حضور نداشته باشند و در عوض آن‌ها، در جنگ‌ها از سربازان همپیمان‌ها استفاده شود. آمریکا از همان آغاز بحران سوریه، پیروان منطقه‌ای‌اش را مانند ترکیه، ایران و دولت‌های شورای همکاری خلیج بسیج نمود، به علاوه اتحادیه اروپا تا در ناکام ماندن این انقلاب علیه بشار اسد نقش فعالی را بازی نمایند. وقتی که آمریکا متوجه شد این دولت‌ها کافی نیستند، علناً به کمک روسیه روی آورد تا راحل دیپلوماتیک را از طریق توافق نامه‌های ژینو ایجاد نماید؛ اما با وجود همه باز هم آمریکا حضور نظامی‌اش را در سوریه کاملاً پایان نداد.

زمانی که ترامپ قدرت را در دست گرفت، روی این مسئله تمرکز نمود؛ چنانچه تصمیم خروج به تاریخ 19 دسامبر 2018م اتخاذ و ترامپ از این تصمیم‌اش دفاع کرد و در چند توییت در صفحه تویترش به تاریخ 20 دسامبر 2018م نوشت که: «من به تعهدی که در جریان تبلیغات انتخاباتی‌اش در سال 2016م در مورد خروج از سوریه داشته وفا کند. ایالات متحده کار دولت‌های دیگری، از جمله روسیه و ایران را انجام دهد، بدون این‌که بدیلی به دست آورد. اینک سر انجام زمان آن فرارسیده که دیگران بجنگند. روسیه، ایران و دیگران اند که دشمن داخلی داعش باشند و ما داریم کار آن‌ها را انجام می‌دهیم. اینک وقت آن رسیده که به وطن برگردیم و در بنای آن سهیم شویم.» ترامپ همچنین در یک توییت دیگر نوشت: «برنامه ما این بود که برای سه ماه در سوریه بمانیم و این تصمیم را هفت سال پیش گرفته بودیم؛ اما هرگز بیرون نشدیم.» وی افزود: «وقتی من رئیس‌جمهور شدم، خشونت و جنایت داعش در حال افزایش بود؛ اما اینک به بدترین شکل ممکن شکست خورده و حالا زمان آن رسیده که دولت‌های دیگری مانند ترکیه نقش خود را برای نابود کردن بقایای آن به آسانی بازی نمایند و ما به سرزمین خود برگردیم.» (منبع: روسیه امروز 22 دسامبر 2018م)

در عین حال، ترامپ از روسیه، ایران، حکومت سوریه و اردوغان به خاطر ادای خدمت بزرگشان به آمریکا در توافقنامه سوتچی در مورد حلب به تاریخ 17 سپتمبر 2018م سپاس‌گزاری نمود و گفت: این من بودم که آن توافقنامه را آماده نمودم و آنان از آن استقبال کردند. پس ترامپ می‌داند که روسیه، ایران و حزب ایران در لبنان و سایر دنباله‌روان‌اش، ترکیه، سعودی و گروه‌های دنباله‌رو آنان و دیگران آماده اند به همان هدفی بجنگند که آمریکا به خاطر آن می‌جنگد و آن جلوگیری از سقوط نظام حاکم سوریه و ممانعت از برگشتن اسلام به قدرت است. چنانچه به گونه سری و علنی در توافقنامه‌های ژینو، آستانه، سوتچی و در سازمان ملل و فیصله‌های شورای امنیت مربوط به قضیه سوریه، به ویژه فیصله شماره 2254 که توسط آمریکا پیشنهاد و موافقت شورا را به دست آورد و تمام طرف‌های فوق خواستار تطبیق آن شدند.

ما در پاسخ به پرسشی که به تاریخ 29 جولای 2018م منتشر نمودیم، گفتیم که بخشی از نقشه آمریکا این است که: «"برای تأمین صلح" به نیروهای منطقه‌ای تکیه کند و ممکن است، برای تحقق این هدف از نیروهای مصر، سعودی و ترکیه استفاده نماید و این سخن جدیدی نیست. هنوز این تصور آمریکا برای ایجاد راحل در بحران سوریه، که مخالف آوردن نیروهای خارجی است، به پایان نرسیده. اداره حکومت دونالد ترامپ برای تأمین صلح در شمال شرق سوریه پس از شکست تنظیم الدوله (داعش) اینک در حال برنامه‌ریزی برای آوردن نیروهای عربی و جایگزین کردن آنان با نیروهای آمریکایی در سوریه می‌باشد.» ترامپ در اظهارات اخیرش این موضوع را به صراحت اعلان نمود.

2. ترامپ اندیشه تجارتي دارد، اندیشه‌ای که دید فایده و نقص بالای آن تسلط دارد و بر اساس همین دیدگاه است که می‌خواهد مصارف سربازان آمریکائی را از دوش خزانه آمریکا کم نماید؛ هرچند این عربستان سعودی و امارات بودند که بیشترین هزینه سربازان کرد و تسلیحات آنان را پرداختند و در فراهم نمودن مصارف ائتلاف جهانی نیز سهیم بودند. «کشور شاهی

عربستان سعودی و امارات در این اواخر یکی از مهم‌ترین قدرت‌های بودند که در داخل سوریه نقش بازی کردند. این واقعیت توسط گزارش‌های مطبوعاتی روشن گردید که پرده از کمک‌های ریاض برای کردهای سوریه در مرز با ترکیه برداشته شد. (منبع: مصر عربی 4 دسامبر 2018م) همچنین عربستان سعودی به تاریخ 14 دسامبر 2018م اعلان نمود که هزینه ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا را بردارد. هیزر ناورت سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: «سعودی با پرداخت صد میلیون دلار سهم گرفته و امارات متعهد شده که 50 میلیون تمویل جدید را پرداخت خواهد نمود.» (منبع: خلیج آن لاین 17 دسامبر 2018م)

اما با وجود این همه پرداخت، باز هم ترامپ قصد دارد تمام هزینه‌های سربازانش و حتی هزینه حمل و نقل آنان و تسلیحات‌شان نیز پرداخت گردد؛ زیرا از نظر او به صفت یک تاجر، این مصارف یک نوع خسارتی است که آمریکا متحمل شود، بناءً باید توسط دیگری پرداخت گردد. این واقعیت پنهانی نیست، بلکه خود آن را به صراحت در اظهارات‌اش در مورد تصمیم خروج از سوریه اعلان نمود و توسط خبرگزاری رویترز به تاریخ 20 دسامبر 2018م منتشر گردید: «وی افزود: آیا ایالات متحده آمریکا می‌خواهد نقش پولیس خاورمیانه را بازی کند، بدون این‌که در بدل آن چیزی به جز از دست دادن جان‌های شیرین عزیزانش به دست آورد و تریلیون‌ها دلار را برای حفاظت از جان دیگران مصرف کند؟ دیگرانی‌که در بسیاری موارد قدر این قربانی‌های ما را نمی‌دانند! آیا می‌خواهیم برای ابد در آنجا بمانیم؟ اینک وقت آن رسیده که دیگران بجنگند.» از این اظهارات چنین بر می‌آید که آمریکا قصد دارد در جنگ‌هایش از دیگران استفاده نماید تا به جای خون امریکائی‌ها، خون دیگران ریخته شود و به جای سرمایه‌های آمریکا، دروازه خزانه‌های دیگران برای سرمایه‌گذاری در این جنگ‌ها باز گردد!

3. واقعیت این است که ترامپ قصد دارد طرف‌های دخیل را، حد اقل در شرایط فعلی، سرگرم راحل سیاسی نماید و نه اقدامات نظامی و این خواست امریکاست؛ نه فقط ترامپ. ترامپ برای تحقق این هدف‌اش از لشکرکشی روسیه و حکومت سوریه به جانب ادلب جلوگیری نمود؛ زیرا او قصد دارد پیش از هر کار دیگری، راحل سیاسی را بر اساس برنامه‌ریزی‌های خود روی دست گیرد. در پاسخ به پرسشی‌که به تاریخ 22 سپتامبر 2018م منتشر نمودیم، به این مسئله اشاره کردیم: «روسیه به این سیاست آمریکا پی برده و به همین دلیل است که نتوانست حمله‌ای را که برای پایان دادن به بحران در ادلب آماده آن شده بود، به طریقه خودش تکمیل نماید؛ زیرا ترکیه به تحریک آمریکا به آن اعتراض نمود و ایران سکوت اختیار کرد. به این ترتیب گردهمایی ایران، که به تاریخ 7 سپتامبر 2018م به هدف تأیید نقشه روسیه برای حمله به ادلب و پایان دادن به بحران به طریقه روسیه راه‌اندازی گردیده بود، به ناکامی انجامید و چند روزی بیش نگذشت که اردوغان و پوتین با هم دیدار نمودند و پس از آن؛ ساختن منطقه عاری از سلاح جایگزین حمله به ادلب شد و آمریکا از آن استقبال نمود! چنانچه ژانس نوستی به تاریخ 18 سپتامبر 2018م به نقل از یکی از مسئولین وزارت خارجه آمریکا گفت: «ما روسیه و ترکیه را تشویق می‌کنیم که برای جلوگیری از حمله نظامی توسط حکومت بشار اسد و همپیمانان‌اش به ولایت ادلب گام‌های عملی بردارند. به این ترتیب روسیه دست از بمباردمان ادلب برداشت و کشتی‌هایی را که در بحر متوسط مانور دادند، برگرداند. آمریکا پیوسته سعی دارد از یک طرفه نمودن موضوع ادلب به گونه نظامی قبل از راحل سیاسی، چه مستقیم و چه توسط ترکیه، جلوگیری نماید. آمریکا می‌خواهد پیش از اقدام برای یک طرفه قضیه ادلب به گونه نظامی، به طریقه سیاسی حل و فصل گردد تا از آن به عنوان اهرم فشار علیه روسیه در خصوص پایگاه‌های نظامی آن در سوریه استفاده نماید و سپس مخالفان را وادار نماید موضوع این پایگاه‌ها را در روند حل سیاسی مطرح نمایند. به این ترتیب؛ جدیت ترکیه، که به دستور آمریکا عمل می‌کند، برای جلوگیری از حمله روسیه به ادلب در درجه نخست به نفع امریکاست و نه جلوگیری از دست‌رسی حکومت بشار به ادلب و حمایت غیر نظامیان! آنچه برای آمریکا اهمیت دارد، منافع آن است و خون مردم ادلب، غیر نظامیان و نظامیان، عاری از سلاح و با سلاح هیچ کدام برای آمریکا ارزشی ندارد، چنانچه موقف‌گیری‌های گوناگون این کفار در مناطق مختلف سوریه و جنایت‌های‌شان در هر گوشه و کنار به وضوح بیانگر چهره واقعی آنان است.»

به این ترتیب، ترامپ با اتخاذ تصمیم خروج از سوریه، طرف‌های دخیل را به این هدف نزدیکتر نمود، چنانچه ترکیه را فریب داد تا گمان کند جای خالی نیروهای آمریکا را پر خواهد نمود. از آن طرف با تهدید نمودن کردها توسط ترکیه در دل‌شان رعب و وحشت انداخت؛ طوری‌که به حکومت بشار پناه برده و از آن کمک خواستند و این همان چیزی بود که نظام بشار خواست، چنانچه نیروهای سوریه پس از تهدید کردها توسط ترکیه در منبج، روانه این منطقه گردیدند. از آن جایی‌که روسیه از حکومت بشار حمایت کند و در عین حال متحد ترکیه باشد، بعید به نظر می‌رسد ترکیه در منبج با حکومت درگیر شود؛

مگر این‌که روابط جدیدی در منطقه ظهور نماید. به این ترتیب، ترامپ طرف‌های ذیدخل در قضیه سوریه را طوری آماده نمود که هیچ‌یکی نتواند در برابر آن دست به کوچک‌ترین اقدام بزند و تنها به راه‌حلی فکر کنند که امریکا می‌خواهد؛ چنانچه برخی از طرف‌ها به گونه علنی و برخی دیگر به گونه سری شروع به زمزمه‌هایی در مورد این راه‌حل امریکائی نموده اند:

الف) سخنگوی وزارت خارجه روسیه در اظهاراتی گفت: «تصمیم واشنگتن مبنی بر خروج نیروهایش از سوریه در حقیقت سهم‌گیری در دستیابی به راه‌حل فراگیر برای این وضعیت باشد. وی اشاره نمود که جدول زمانی خروج نیروهای امریکا از سوریه مشخص نیست.» (منبع: اسپوتنیک عربی 26 دسامبر 2018م)

ب) «اقدامات به هدف تسلط بالای منیج، که دو روز قبل اعلان شده بود، به درخواست ترکیه متوقف و تا انجام دادن مذاکرات بیشتر توسط ترکیه با روسیه و امریکا به تعویق افتاد.» (منبع: المدن 27 دسامبر 2018م)

به این ترتیب ترامپ توانست تلاش‌های طرف‌های ذیدخل را با استفاده از موضوع خروج نیروهایش از سوریه به جانب راه‌حلی سوق دهد که خود می‌خواهد، چنانچه این طرف‌ها برای حل بحران سوریه چیزی به جز نقشه امریکا در برابر خویش نبینند.

4- عامل انتخاباتی نیز از جمله اسبابی است که ترامپ به آن اهمیت خاص می‌دهد. ترامپ از گذشته شخصاً با جنگ‌های خارجی مخالف بود، چنانچه در تبلیغات انتخاباتی‌اش شعار "نخست امریکا" را بلند نمود؛ شعاری که توسط آن به پیروزی رسید. بنابر این، تصمیم ترامپ به خروج نیروهای امریکا از سوریه و افغانستان، منافع شخصی نیز برای وی دارد و در انتخابات پیش‌رو در سال 2020م از آن استفاده خواهد نمود. پس او به برگرداندن 2000 سرباز امریکائی از سوریه، (منبع: گاردین 19 دسامبر 2018م) و 7000 دیگر از افغانستان، (منبع: npr 21 دسامبر 2018م) مصمم است تا به این ترتیب در نزد مردم امریکا به شکل عام چهره مرد پیدا نموده و در انتخابات مجددش در سال 2020م وی را کمک نماید.

سوم) به این ترتیب دیده می‌شود که ترامپ، مزدوران و دنباله‌روانش را با تصمیم خروج به درد سر انداخته؛ تصمیمی که حتی پیش از خروج کندی که ممکن است ماه‌ها را در بر گیرد، البته در صورتی که این تصمیم به صورت کامل عملی گردد و در مورد آن تجدید نظر نشود.

با تأمل و تدبر بیشتر در آنچه تا کنون اتفاق افتاده و آنچه که در حال اتفاق افتادن است، روشن خواهد شد که ترامپ هیچ اهمیتی به مزدوران و دنباله‌روانش نمی‌دهد و اگر آنان اندکی می‌اندیشیدند، قطعاً باید از ماحول وی متفرق می‌شدند؛ اما آنان کسانی نیستند که از آنان انتظار اندیشیدن و تفکر را داشت! و به همین دلیل است که ترامپ برای عملی شدن نقشه‌های خویش از آنان ذیلانه و مکارانه استفاده می‌کند، حتی روسیه و اروپا نیز از این استفاده در امان نماندند:

1. کردها، که خود را کاملاً در اختیار امریکا قرار داده بودند، گمان می‌کردند که امریکا به آنان تمرینات نظامی داده و آنان را مسلح می‌کند تا سر انجام از سوریه اعلان استقلال نمایند و امریکا برای‌شان دولت مستقلی برپا نموده و حفاظت از آن دولت را به دوش خواهد گرفت؛ بناءً به همین امیدواری خود را در اختیار امریکا قرار داده و به امید دولت موعود از امریکا فرمان بردند! چنانچه در هر جنگی که امریکا خواست، آنان در صف اول قرار داشتند. آشتون کارتر وزیر دفاع آن زمان امریکا از نیروهای دموکرات سوریه تعریف و تمجید نمود. اصطلاح نیروهای دموکرات سوریه چتری بود که گروه‌های نظامی کرد توسط امریکا زیر سایه آن جمع و تنظیم گردیده بودند. کارتر در مورد آنان گفت: «آنان ثابت نمودند که در جنگ علیه "داعش" شرکای استثنائی هستند. ما ممنون‌دار آنان بوده و در همکاری با آنان متعهد خواهیم بود؛ در عین حال اعتراف می‌کنیم که نقش منطقه‌ای آنان بسیار بغرنج و پیچیده است.» (منبع: صفحه حریت دلی نیوز 18 مارچ 2016م)

به این ترتیب کردها گمان کرده بودند که امریکا در پیدا و پنهان از آنان حمایت خواهد نمود؛ در حدی که متوجه اظهارات صریح جیمز جیفری نماینده ویژه امریکا در سوریه نیز نشدند که گفت: «پیوسته تأکید نموده‌ایم که همکاری ما با نیروهای دموکرات سوریه علیه داعش موقتی و تاکتیکی است.» (منبع: آر تی آن لاین 8 دسامبر 2018م) و به مزدوری‌شان ادامه دادند. بناءً استفاده از آنان در هر کجا که منافع امریکا تقاضا کرد و نه منافع خودشان، کاری ساده و آسان شده بود. زمانی منافع امریکا تقاضا نمود

که تصمیم بگیرد از سوریه خارج شود و کردها را در برابر تهدیدهای ترکیه تنها می‌گذارد، امریکا بدون هیچ‌گونه توجهی به منافع کردها، این تصمیم را اتخاذ نمود. اینجا بود که کردها مجبور شدند به آغوش حکومت سوریه برگردند و این دقیقاً همان چیزی بود که امریکا خواستار آن بود تا راه برگشت حکومت بشار اسد به شمال سوریه و با درخواست خود کردها هموار گردد. «رهبران کردها، که بیشتر مناطق شمال سوریه را در اختیار دارند و تصمیم خروج امریکا از منطقه آنان را نگران نموده، روسیه و دمشق را تشویق نمودند تا برای دفاع از مرزهای سوریه در برابر خطر هجوم ترکیه به آنجا نیرو بفرستند.

درخواست کردها از نیروهای حکومت سوریه به مناطق مرزی، که سال‌هاست در اختیار نیروهای مسلح کرد قرار دارد، بیانگر عمق بحران و نگرانی است که کردها پس از تصمیم ناگهانی ترامپ مبنی بر خروج نیروهای امریکا از سوریه به سراغ آنان آمده.» (منبع: اسپوتنیک عربی 27 دسامبر 2018م) نیروهای دموکراتیک سوریه در نخستین واکنش خویش به تصمیم ناگهانی امریکا برای خروج از شرق سوریه این تصمیم را «خنجری از پشت و خیانت در خون هزاران سرباز خود» دانستند. کمسیون حقوق بشر سوریه به نقل از منابعی که خود آن را معتبر خوانده می‌گوید که شماری از رهبران نیروهای دموکراتیک سوریه، «خروج نیروهای امریکا را در حال حاضر، خنجری خوانده که از پشت به نیروهای آنان و گروه‌های حمایت مرد زده شده؛ نیروها و گروه‌هایی که در جریان ماه‌ها و سال‌های گذشته بزرگترین مناطق جغرافیایی را از گروه «داعش» پس گرفتند که همان منطقه شرق فرات با منبع می‌باشند.» (منبع: صفحه‌ تحریر نیوز 19 دسامبر 2018م)

2. ترکیه نیز به حرج افتاد، چنانچه گمان کرد که این فقط ترکیه است که جای خالی امریکا را پر خواهد نمود، مخصوصاً پس از تصمیم خروج امریکا پس از تماس تلفونی ترامپ و اردوغان اعلان گردید. «یک مقام امریکایی گفته که دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا تصمیم خروج نیروهای ایالات متحده را از سوریه در نتیجه گفتگوهای اخیرش با همتای ترکاش، رجب طیب اردوغان، روی دست گرفته است. این مقام امریکایی، که با آژانس رویترز صحبت نمود افزود که این تصمیم پس از گفتگوی تلفونی ترامپ و اردوغان در روز جمعه گذشته اتخاذ گردید. منبع مذکور در توضیح سخنان مقام یاد شده گفت که هر آنچه بعداً اتفاق افتاد در حقیقت اجرای توافقی است که در جریان این تماس تلفونی به دست آمده است.» (منبع: روسیه امروز 19 دسامبر 2018م) آژانس ترکی «اناضول» در مورد تماس تلفونی یاد شده میان اردوغان و ترامپ به تاریخ 21 دسامبر 2018م چنین گفت: «رئیس جمهور ترکیه گفت که ترامپ از ما پرسید: آیا توان نابود کردن «داعش» را دارید؟ اردوغان در پاسخ گفت: ما آنان را نابود کرده‌ایم و می‌توانیم این کار را در آینده نیز انجام دهیم، کافی است کمک‌های لازم لوجستیکی را به ما بدهید... آنان «امریکایی‌ها» در نهایت شروع به خروج نمودند. حالا هدف ما این است که روابط دیپلماتیک مان را به گونه‌ی مسالمت‌آمیز با آنان ادامه دهیم.»

به این ترتیب، ترک‌ها گمان نمودند که این ترکیه است که جای خالی امریکا را در سوریه پر خواهند نمود، اما آنچه در عمل اتفاق افتاد، این بود که حکومت سوریه به درخواست کردها به جانب منبج حرکت نمود. «نزدیک به یک هزار تن از سربازان حکومت با شمار زیادی تانک و سایر وسایل حمل و نقل نظامی می‌مجهز با سلاح‌های ثقیله در نقطه گذرگاه تایه تجمع نموده اند و در حدود 40 تن از نیروهای حکومت وارد منطقه مشترک «قسد» در قریه یالنی در شمال شرق شهر عریمه شده اند. این نخستین منطقه‌ای است که نیروهای حکومت پس از توافق با «قسد» بر سر انتشار نیروهای مشترک در برابر مناطق زیر تسلط ارتش آزاد و نیروهای ترک، در این منطقه متمرکز شوند.» (منبع: سایت المدن 27 دسامبر 2018م)

سپس به تاریخ 29 دسامبر 2018م یک هیئت ترک به شمول وزیر دفاع، وزیر خارجه و رئیس ارکان ترکیه جهت مناقشه این موضوع دست به کار شدند، اما اظهارات برخی از مقامات روس خطاب به ترکیه، تحریک‌آمیز بود، چنانچه ماریا زاخاروفا سخنگوی وزارت خارجه روسیه به تاریخ 27 دسامبر در سخنانی گفت: «مناطق را که امریکایی‌ها ترک می‌کنند، باید زیر تسلط نیروهای حکومت سوریه قرار گیرند» وی افزود: «طبیعتاً پرسش اساسی مطرح می‌شود، مناطقی را که امریکایی‌ها ترک می‌کنند، در اختیار کی قرار خواهد گرفت؟ روشن است که بر اساس قوانین بین‌المللی؛ این حکومت سوریه است که این مناطق را باید در دست گیرد.» زاخاروفا اعلان نمود: «در قضیه سوریه ما دیدگاه‌های مان را با همکاران ترک‌مان هماهنگ نموده و سیاست‌های مشخصی را عملی خواهیم نمود، چه سیاست خارجی و چه در خصوص عملیات‌های نظامی به هدف مبارزه با تروریسم.» (منبع: المدن 27 دسامبر 2018م) لیزی گراهام یکی از سناتوران برجسته امریکایی نیز در این زمینه گفت:

«ترامپ مجدانه پیگیر است که مبادا ترکیه پس از خروج نیروهای امریکائی از سوریه با نیروهای حمایت مرد درگیر شود و با تأکید به ترکیه، که هم پیمان‌اش در پیمان ناتو باشد، گفته که برای کمک به دفاع از منافع خودش منطقه حایل ایجاد نماید. ترکیه قطعات حمایت مرد را بخشی از جریان‌های جدائی‌طلب کرد خاک خود می‌داند و پیوسته تهدید می‌کند که بالای نیروهای این قطعات حمله نظامی خواهد نمود.» (منبع: عربی پست 31 دسامبر 2018م)

سپس اردوی روس کار را به "مرکز هماهنگی‌های روسیه برای صلح در سوریه" کشانید که در شهر عریمه در حومه منبج قرار دارد؛ جایی که قبلاً از آن بیرون رفته بود. (منبع: سایت المدن 27 دسامبر 2018م) تمام این تحرکات و اقدامات موانعی را در برابر ترکیه به خاطر پر نمودن جای خالی امریکا قرار می‌دهد!

3. به دلیل این‌که روسیه یک دولت نسبتاً قدرتمند است، امریکا تلاش می‌کند آن را از یک بحران به بحران دیگر بکشاند. روسیه پی برده که بعد از مداخله نظامی‌اش در سوریه، که پس از دیدار اوباما با پوتین به تاریخ 29 سپتمبر 2015م آغاز کرد، در این گرداب بحران این سرزمین غرق شده. پوتین امیدوار بود در بدل این مداخله نظامی در سوریه به نفع امریکا، تحریم‌های اعمال شده علیه آن به دلیل اشغال جزیره کریمیه از بالای روسیه رفع گردد، اما هرگز چنین نشد. در این اواخر روسیه خواست موضوع ادلب را به گونه نظامی یک طرفه نماید تا بار سوریه را از دوش گذاشته و از این تنگنا بیرون رود و سپس راهل سیاسی به درازا کشد، زیرا به درازا کشیدن مباحثات سیاسی، که همراه با فعالیت نظامی نباشد (روسیه از زیر بار کارهای نظامی‌رها شده باشد)، هیچ ضرری را متوجه روسیه نمی‌کند. اما امریکا مانع این تصمیم روسیه شد و روی دست گرفتن راهل سیاسی را قبل از یک طرفه نمودن عملیات نظامی مقدم شمرد.

در پاسخ به پرسشی که به تاریخ 22 سپتمبر 2018م منتشر شد، در این زمینه چنین گفتیم: «به این ترتیب روسیه فعالیت‌های نظامی‌اش را متوقف نمود و ناوهای جنگی‌اش را به بحر متوسط برمی‌گرداند و امریکا پیوسته سعی دارد چه به گونه مستقیم و یا غیرمستقیم، پیش از یک طرفه نمودن نظامی، موضوع ادلب و راهل سیاسی را روی دست می‌گیرد. امریکا با این کار (روی دست گرفتن راهل‌های سیاسی قبل از یک طرفه نمودن قضیه نظامی) می‌خواهد از آن به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بالای روسیه در خصوص پایگاه‌های نظامی آن در سوریه استفاده کند و سپس مخالفان را وادار کند موضوع پایگاه‌ها را در مباحثات سیاسی مطرح نمایند.»

سپس تصمیم اخیر ترامپ موضوع را حساس‌تر نمود! سپس روسیه در وضعیتی قرار گرفت که خود را در منبج و سایر مناطق کردنشین در شرق فرات، از یک طرف میان حکومت سوریه و از طرف دیگران ترکیه یافت! روسیه از یکسو حکومت سوریه را حمایت می‌کند و از جانب دیگر با ترکیه یک سلسله توافقاتی دارد؛ در این حال نظامیان ترک و نیروهای حکومت سوریه از دوطرف به هم نزدیک می‌شوند و روسیه در میان آنان قرار دارد؛ بناءً اگر میان این دوطرف برخوردی صورت گیرد، روسیه در تنگنا قرار خواهد گرفت و سرگردان خواهد شد که جانب کدام طرف را باید بگیرد. به این ترتیب است که امریکا، روسیه را پیوسته از یک بحران به بحران دیگر می‌اندازد.

4. در مورد اروپا باید گفت که برخی از دولت‌های اروپائی در ائتلاف جهانی شریک بودند و اینک خروج امریکا آنان را نگران خواهد نمود، زیرا به تنهایی نمی‌توانند در آنجا باقی بمانند. در عین حال، اروپائیان طرفدار بقای امریکا در سوریه بودند تا از این بحران رنج ببرند و نه این‌که دور استاده و با امنیت کامل شاهد آنان باشد. به همین دلیل بود که با تصمیم خروج امریکا مخالفت نشان داده و به آن تاخندند. چنانچه سخنگوی نخست‌وزیر انگلیس در اظهاراتی گفت: «ائتلاف جهانی علیه داعش پیشرفت‌های زیادی داشته، اما هنوز کارهای زیادی وجود دارد که باید انجام داده شود و نباید از تهدید این گروهی که در یک سرزمین خلاصه نمی‌شود، غافل ماند، شکی نیست که این گروه هنوز یک تهدید است.» (منبع: یورو نیوز 19 دسامبر 2018م) یعنی دلیلی که ترامپ برای خروج از سوریه مطرح نموده باطل است. رئیس جمهور فرانسه نیز از این تصمیم رئیس جمهور امریکا به شدت انتقاد نموده گفت: «یک هم‌پیمان باید مورد اعتماد باشد.» او که در پایتخت چاد صحبت می‌نمود، گفت: «در مورد این تصمیم به شدت احساس تأسف می‌کنم.» تصمیمی که ترامپ در مورد سوریه اتخاذ نموده است. ماکرون گفت: «هم‌پیمان بودن

به این معناست که شانه به شانه بجنگی.» و افزود که فرانسه این کار را در کنار چاد در جنگ با گروه‌های مسلح جهادی انجام می‌دهد. (منبع: بی بی سی 23 دسمبر 2018م)

**چهارم)** در اخیر باید گفت: آنچه دردآور است، اینست که قضایای ما در اختیار کفار استعمارگر قرار داشته و تصمیم آن در دست آنان باشد، در عین حال حکام سرزمین‌های مسلمانان، بدون اندکی شرم و حیاء از الله عزیز و حکیم و رسولش صلی الله علیه وسلم، سرگرم حکمرانی باشند! بلکه حتی زمانی که حق به آنان توضیح داده شود، برای کسب رضایت بادران‌شان و حفظ مقام و موقف خویش، از آن روی بگردانند و از سرنوشت یاران پیشین‌شان هیچ عبرتی نگیرند، که وقتی نقش‌شان به پایان رسید، این بادران به ساده‌گی آنان را با دستان خودشان نابود کرده و به زباله‌دان تاریخ انداختند و در دنیا و آخرت خساره‌مند شدند؛ زیرا از حقی که برای آنان بیان گردیده، روی گردان شده اند و بدون شک این خسارت بزرگی‌ست که عائد حال آنان گردیده است.

﴿وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾

[انعام: ۲۶]

**ترجمه:** آن‌ها دیگران را از آن باز می‌دارند و خود نیز از آن دوری می‌کنند؛ آن‌ها جز خود را هلاک نمی‌کنند، ولی نمی‌فهمند!

23 ربیع الآخر 1440 هـ.ق  
30 دسمبر 2018 م